

نقش کتیبه‌های خوانده‌نشده مسجد سنگی داراب در شناسایی کارکرد و تاریخ ساخت بنا

عمادالدین شیخ‌الحکمایی*

پژوهشگر مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

میرزا محمد حسنی

استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود

(از ص ۸۱ تا ۹۴)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۲۳؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۵/۱۲/۰۱

چکیده

مسجد و آسیاب سنگی داراب، از جمله بناهای بسیار بحث‌برانگیز در تاریخ معماری ایران است. این بنا از اوایل سده نوزدهم میلادی مورد توجه مستشرقین و مورخین ایرانی قرار گرفته و در باب تاریخ احداث و عملکرد آن سخن گفته و نظرات گوناگون و متنوعی مطرح کرده‌اند. برخی آن را یک نیایشگاه مهری، آتشکده زرتشتی، کلیسای مسیحی، معبد بودایی، مسجدی اسلامی، و حتی خانقاه و کاروانسرا دانسته‌اند. از نظر نگارندگان، علت اصلی این آشفتگی و تنوع نظرات ارائه‌شده، کم‌توجهی و ناتوانی در قرائت کتیبه‌های موجود در سردر ورودی، کتیبه محراب، و کتیبه‌های آسیاب سنگی است که باعث به خطا رفتن بسیاری از مطالعات مربوط به این بنا شده است. در این مقاله، علاوه بر قرائت متن کامل کتیبه‌ها، به استناد متون تاریخی هم‌دوره قدمت بنا، تاریخ احداث، نوع کاربری و نام و نسبت سازنده بنای مسجد سنگی داراب روشن شده است.

واژه‌های کلیدی: مسجد سنگی، آسیاب سنگی، داراب، کتیبه‌ها، نیایشگاه مهری، آتشکده، مسجد

* رایانامه نویسنده مسئول: emad_hokamii@yahoo.com

۱. مقدمه

کتیبه‌های ابنیه تاریخی، نقش اساسی در بازشناسی بنا و وقایع تاریخی زمان ساخت دارند. نام بانی، ذکر نوع و کارکرد بنا، تاریخ دقیق ساخت و یا تعمیر و بازسازی هر بنا از مهم‌ترین نکاتی است که می‌تواند از متن یک کتیبه به دست آید. بدیهی است هرگونه بی‌توجهی به متن کتیبه‌ها و متون مکتوب در منابع هم‌عصر کتیبه‌ها، راه را برای تخیلات دور از ذهن و ارائه نظرات بی‌پایه باز می‌کند.

مسجد سنگی داراب و آسیاب مجاور آن از جمله بناهای بحث‌برانگیز تاریخ معماری ایران است. با توجه به نظرات ارائه شده، تاریخ ساخت بنا میان یک معبد مهری، آتشکده زرتشتی، کلیسای مسیحی، معبد بودایی و مسجد اسلامی و حتی خانقاه، کاروانسرا و قلعه دختر، شناور است و متخصصان و صاحب‌نظران تاریخ‌های متفاوتی برای این بنا ذکر کرده‌اند. وجود کتیبه‌های موجود در این بنا از جمله دو کتیبه مهم سردر ورودی، کتیبه محراب، و نیز کتیبه تاریخ‌دار آسیاب از ابتدا می‌توانسته است نقشی تعیین‌کننده در بازشناسی هویت واقعی این بنا داشته باشد. دیده نشدن یا اشاره به ناخوانایی و از بین رفتگی متن کتیبه‌ها و نیز ارائه دو متن تخیلی از این دو کتیبه توسط دو تن از مشاهیر دوره قاجار، روند مطالعه این بنا را از ابتدا منحرف کرده است.

هدف این نوشتار، ارائه متن کامل بازخوانی کتیبه‌های بنا برای نخستین بار و نشان دادن روند قرائت متن و نظرات پیشین در باب وضعیت کتیبه‌ها و در نهایت اظهار نظر مستند به متن کتیبه در باب تاریخ ساخت و کارکرد اصلی این مجموعه است.

۲. موقعیت جغرافیایی

بنای مشهور به مسجد سنگی، بالاتر از حاشیه شمال شرقی دشتی که شهر دارابگرد در آن واقع است و در ده کیلومتری غرب این شهر باستانی و در شش کیلومتری شمال غربی شهر کنونی داراب در مسیر داراب به جنت‌شهر (ده‌خیر پیشین)، در نزدیکی روستای خیرآباد قرار دارد.

در نزدیکی سمت راست بنا، آسیابی قرار دارد که آن نیز مشهور به آسیاب سنگی است. این دو بنای مجاور، یعنی مسجد و آسیاب، دارای چند کتیبه تاریخی و چند یادگار نوشته به شرح ذیل است:

۱. کتیبه بانی بنا بر سردرِ رواق ورودی مسجد سنگی

۲. کتیبه سال سمت چپ رواق ورودی (که در واقع ادامه کتیبه پیشین است).

۳. کتیبه محراب

۴. کتیبه سال بر دیواره سمت چپ آسیاب سنگی

۵. کتیبه قاجاری تعمیر آسیاب

۶. کتیبه‌های کوچک یادگاری در مسجد و آسیاب

۱-۲. کتیبه سردر رواق ورودی مسجد سنگی

این کتیبه در چهار سطر و در فضای هلالی شکل بالای ورودی بنا نوشته شده است. فسایی، مؤلف *فارسنامه ناصری* نوع خط را ثلث دانسته و در طرحی که از این اثر در سال ۱۳۰۴ ق/ ۱۸۸۶ م. / ۱۲۶۵ ش. ترسیم کرده، متن کتیبه را چنین بازخوانی کرده است (حسینی فسایی، ج ۲، ص ۱۳۰۸، تصویر ۲۰۰):

«السلطان / ابوالمظفر اتابک ابوبکر / بن ابوالمظفر اتابک سعدبن اتابک / زنگی سلغری»
فرصت‌الدوله شیرازی در سال ۱۳۰۷ ق. (۱۸۸۹ م. / ۱۲۶۸ ش.)، خط کتیبه را ثلث جلی دانسته است؛ اگرچه او در متن کتاب تنها اشاره می‌کند که کلماتی مثل «اتابک» و «بکر» قابل خواندن است، در نقاشی‌ای که از این کتیبه و بنای مسجد سنگی تهیه کرده این عبارات را قید کرده است: «... / خدای جل / السلطان ابن سلطان / ابوبکر سعد بن زنگی» (حسینی شیرازی، صص ۱۶۴ و ۱۶۵، نقاشی ۹).

نظر و برداشت فسایی و فرصت در باب کتیبه‌های این اثر سبب شده است تا پژوهشگران بعدی به قرائت این دو نویسنده استناد کرده و بنابر اظهار نظر آنان، این بنا را آتشکده‌ای ساسانی بدانند که توسط اتابکان فارس تعمیر و به مسجد تبدیل شده است.^۱

۲-۲. کتیبه سال منقور بر دیواره مسجد سنگی

این کتیبه که بر دیواره سمت چپ ایوان ورودی در دو سطر نوشته شده است، در واقع ادامه متن کتیبه سردر است. این کتیبه به خاطر در دسترس و سالم بودن، توسط بیشتر کسانی که به متن کتیبه‌های بنا اشاره کرده‌اند، به درستی خوانده شده است. متن این کتیبه در دو سطر به شرح زیر است: (تصویر ۱)



تصویر ۱. فی رمضان سنه اثنی و / خمسین و ستمائیه (۶۵۲ ق. / ۵۵-۱۲۵۴ م.)

۲-۳. کتیبه محراب مسجد سنگی

کتیبه سوم موجود در مسجد، کتیبه دور و میانه محراب است. متأسفانه ابتدا و انتهای که در بخش پایین محراب قرار داشته است، از بین رفته و در مرمت‌های بعدی با سیمان پر شده است (تصویر ۳ و ۴).

کتیبه اطراف محراب به خط ثلث است و متن آن را حسینی فسایی مؤلف فارسنامه ناصری در دوره قاجار چنین قرائت کرده است: «به فرمان پادشاه زمان، اتابک ابوالمظفر ابوبکر بن سعد بن زنگی سلغری، در ماه رمضان سال ۶۵۲ ق. این محراب ساخته و این خط پرداخته گردید.» چنان که خواهیم دید این عبارت بر ساخته ذهن فسایی است. او در طرحی که از ورودی بنای مسجد سنگی و کتیبه دیواره سمت چپ بنا که اشاره به سال ۶۵۲ ق. دارد، تهیه کرده قرینه همان کتیبه را بر دیواره سمت راست نیز ترسیم کرده است در صورتی که چنین کتیبه‌ای در این سمت وجود ندارد.

فرصت شیرازی نیز کتیبه اطراف محراب را نام‌های خدا دانسته (اسماءالله) و تنها «ناصر لد» و «امیرالمومنین» را خوانده است. وی این نام و لقب را مربوط به «الناصر لدین‌الله»، ملقب به امیرالمومنین از خلفای عباسی دانسته است.^۲

دیتریش هوف، در مقاله خود صحت قرائت‌های پیشین را مورد تردید قرار داده و بر لزوم بازخوانی کتیبه‌ها تأکید کرده است (هوف، ص ۴۱۸). در سال ۱۹۸۶م، هیئت اعزامی دانشگاه بروکلین نیویورک آمریکا از کتیبه سردر و محراب نسخه برداری کرد. لیونل بیر (Lionel Bier) بر مبنای قرائت شیلابلر (S. Blair) از این کتیبه، عنوان می‌کند که واژگانی چون «این رباط و مسجد» و همچنین نام «محمد بن المبارز بن حسن» خوانده شده است (Bier, P129, note14).

متن کامل سه کتیبه نخست و کتیبه‌های خوانده نشده، با توجه به بررسی‌های نگارندگان مقاله حاضر به قرار ذیل است:^۳

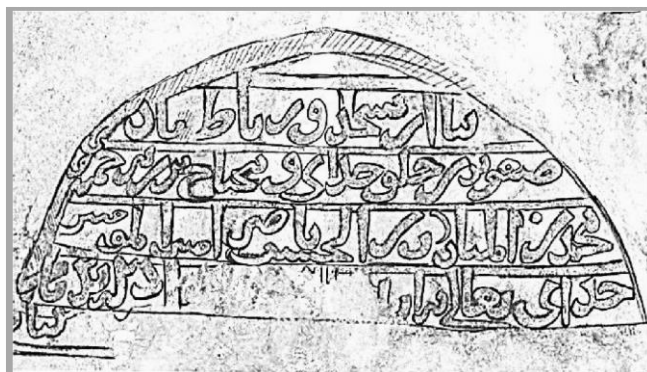
الف - کتیبه سردر ورودی

بنای این مسجد و رباط [یا] لاد

ضعیف‌ترین خلق خدای و محتاج‌ترین به رحمت وی

محمد بن المبارز بن الحسن، ناصر امیرالمومنین.

خدای تعالی مرا بد این مسجد رحمه ده [لا]؛ که یک بار *** [در بر کار این ضعیف] کند.



تصویر ۲. کتیبه سردر رواق ورودی مسجد سنگی

ب- کتیبه محراب

متن کتیبه محراب و سردر ورودی تقریباً یکی است.

بنای این مسجد و رباط یاد ضعیف‌ترین خلق خدای و محتاج‌ترین به رحمت وی

محمد بن المبارز بن الحسن، ناصر امیرالمومنین

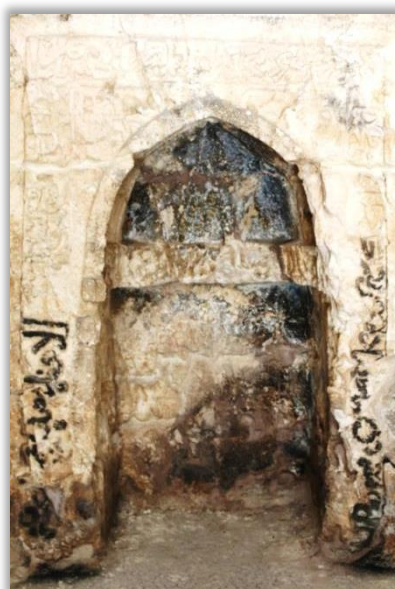
فی شهر [الله] الاعظم رمضان سنه اثنی و [خمسین] و ستمایه.

ادامه متن در میانه محراب:

خدای تعالی مرا بد [این مسجد؟] رحمه د [ه] ساد که یک بار در بر کار این ضعیف کناد!



تصویر ۴. طراحی محراب و نوشته آن



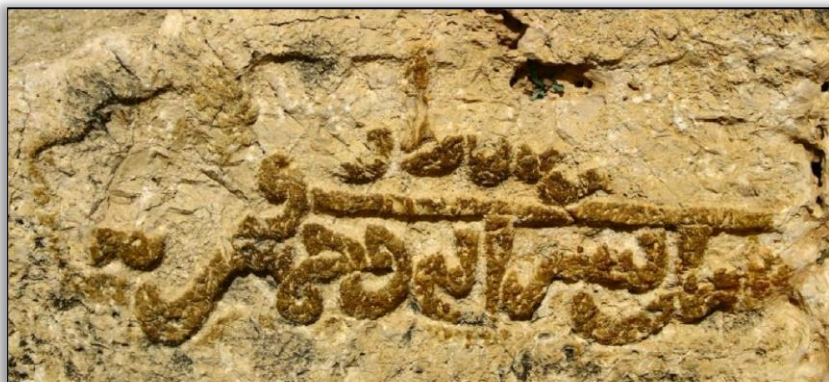
تصویر ۳. محراب اسلامی بنای مسجد سنگی

۲-۴. کتیبه ورودی سمت چپ آسیاب سنگی

از پژوهشگران و سفرنامه‌نویسان تنها جمشید صداقت کیش، به وجود این کتیبه در دیواره آسیاب سنگی اشاره کرده است (ص ۲۹۱). به نظر می‌رسد این دو سطر باقی مانده از کتیبه کهن که حاوی تاریخ ساخت آسیاب است، مانند سردر ورودی مسجد در اصل، در دو بخش مجزا نوشته شده بوده است. بخش اصلی متن کهن، بالای سردر ورودی آسیاب قرار داشته و با تراشیدن و محو متن کتیبه اصلی، ماده تاریخ مرمت آسیاب در دوره قاجاری به جای آن نوشته شده است. حجار کتیبه قاجاری، پاک کردن سطر نخست بخش تاریخ را نیز آغاز کرده، اما به نظر می‌رسد در میانه راه منصرف و یا از این کار منع شده است. در بقایای اندک باقی‌مانده از سطر نخست کتیبه، می‌توان کلمه «و رباط» و بیشتر کلمات سطر دوم را خواند:

*** و رباط ***

فی رمضان سنه اثنی و خمسين و استمائه]



تصویر ۵. الف، کتیبه سال منقور بر دیواره راهروی ورودی آسیاب سنگی

نوع نگارش و خط کتیبه با متن کتیبه سال، منقور بر کتیبه شماره دو مسجد سنگی کاملاً منطبق است و دلالت بر ساخت همزمان این دو بنا توسط یک فرد در رمضان سال ۶۵۲ ق. دارد.

۲-۵. کتیبه قاجاری سردر ورودی آسیاب سنگی

این کتیبه ماده تاریخ به خط نستعلیق و مورخ ۱۳۱۰ ق. است. متن این شعر چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

| | |
|---|--------------------------------------|
| بود باقی ز سلاطین همام | آسیابی ز قدیم الایام |
| که در او خیره بماندی اوهام | مانده این سخت‌اساس از داراب |
| کرد تعمیر و نکردش اتمام | این شنیدم که اتابک بن سعد |
| که از او هیچ نماندی جز نام | باز دور فلکش جور نمود |
| ناصرالدین شه افلاک‌خیام | تا که در دولت سلطان عجم |
| بن قوام ابن قوام بن قوام ^۴ | ساخت بهتر ز نخستین بارش |
| درگهش اهل صفا راست مقام | ساکن(?) قبله‌ای] هستم کز لطف |
| ملجاً پیر و جوان، غوث انام | داور فارس امیر تومان ^۵ |
| کوه را کند ز جا چون گل خام | چاه زد، راه برید، آب آورد |
| یافت کار از مدد بخت انجام | آب رفته چو روان گشت به جوی |
| «آسیابی فلکش گشته بکام ^۷ » [۱۳۰۹ق] | بهر تاریخ چنین گفت نصیب ^۶ |

کتیبه عبدالله بن زین‌العابدین بن محمدرفیع الموسوی ۱۳۱۰^۸.

شاعر، ساخت آسیاب را به ابوبکر سعد زنگی نسبت داده و کار او را ناتمام می‌شمارد. با توجه به تاریخ این کتیبه به نظر می‌رسد که این برداشت نیز متأثر از نوشته و قرائت نادرست حسینی فسایی از کتیبه بنای مسجد سنگی باشد. منظور شاعر از فرزند قوام، مسلماً محمدرضاخان قوام‌الملک پسر علی‌محمدخان قوام‌الملک است که حکومت داراب و سبعه از سال ۱۳۰۱ق. در دست او بوده است. اجاره‌نامه این آسیاب به تاریخ ۱۳۱۷ق. نشان‌دهنده فعال بودن آن در این دوره است.^۹ بر پایه سخنان آگاهان محلی، این آسیاب تا حدود سال ۱۳۴۰ش. فعال بوده است.

۲-۶. یادگارنویسی‌ها و کتیبه‌های متفرقه

علاوه بر کتیبه‌های اصلی و رسمی، چند یادگارنوشته و نوشته‌های تفننی در این دو بنا موجود است. یکی در مسجد سنگی و پنج کتیبه در دهانه ورودی آسیاب سنگی (سه نوشته بر دیوار دالان سمت راست و دو نوشته بر دیوار دالان سمت چپ):

الف - کتیبه موجود در مسجد، بر ستون سمت چپ کنار حوض در دوسطر از پایین

به بالا:

یادگار عبد، ایاز/یار(?) محمد لاری^{۱۰}

ب- کتیبه‌های دالان آسیاب:

الله به کوفی بنایی و ثلث و کتیبه‌ای دیگر به کوفی بنایی، احتمالاً همزمان با ساخت بنای آسیاب سنگی.

۳. تاریخ ساخت، بانی و کاربری این دو بنا بر پایه بازخوانی متن

اگرچه بیر در پاورقی مقاله خویش و بر پایه کلمات خوانده شده توسط شیلا بلر، موضوع انتساب کتیبه بنا را به ملوک شبانکاره مطرح کرده است، توضیحی درباره او و دیگر کارهای عمرانی‌اش نداده است. صراحت عبارت کتیبه سردر بنا، به بناکردن این ساختمان (و نه تعمیر و تجدید) و تصریح به کارکرد بنا با تعبیر مسجد و رباط، روشن شدن نام کامل و لقب بانی ساخت و همچنین تکرار این متن در کتیبه دور محراب، جای تردیدی در انتساب این بنا به ملوک شبانکاره برجای نمی‌گذارد. ما اکنون می‌توانیم علاوه بر اطمینان به قرائت تمام کلمات و عبارات موجود، با استناد به کتاب مجمع‌الانساب تألیف محمدبن علی بن محمد شبانکاره‌ای که در سال ۷۳۳ق. به رشته تحریر درآمده است، نام و القاب بانی بنا را ملک مظفرالدین محمد بن قطب‌الدین مبارز بن نظام‌الدین حسن^{۱۱} بدانیم. وی پس از مرگ پدر که مرکز حکومت وی فورگ (فرگ/پُورگ) بود، در سال ۶۲۴ق. به حکومت شبانکاره رسید (شبانکاره‌ای، ص ۱۶۰). نویسنده همچنین در باب لقب ناصرالمومنین می‌نویسد: «و با خلیفه اظهار بندگی کردی و خلیفه او را نیک محترم دانستی و او را ناصر امیرالمومنین خواندی» (همان، ص ۱۶۴). اگرچه نویسنده روشن نساخته که این لقب از سوی کدام خلیفه عباسی به او اعطا شده است، با توجه به همزمانی حکومت محمدبن مبارز (۶۵۹-۶۲۴ق) با دوران خلافت دو خلیفه آخر عباسی یعنی منصور المستنصر (۶۴۰-۶۲۳ق)، و سپس ابواحمد عبدالله ملقب به المستعصم (۶۵۶-۶۴۰ق) که در سال ۶۵۶ق. در حمله هلاکوخان به بغداد کشته شد (اقبال آشتیانی، ص ۹۸)، اعطاکننده لقب باید یکی از این دو خلیفه باشد.

۴. نوع بنا، تاریخ ساخت و سبک معماری

شکل غیرمعمول بنا و شباهت آن به آثاری با معماری صخره‌ای پیش از دوره اسلامی، اولین نکته‌ای است که توجه محققان را به پیش از دوره اسلامی کشانده است. اما با وجود آثار متعدد سنگی برساخته بانی همین بنا، یعنی محمد بن مبارز مانند مسجد

سنگی ایچ (به تاریخ ۶۳۳ق.) (جواهری، جلد یکم، ص ۲۴۷). چهل برکة ایچ (به تاریخ ۶۴۹ق) (همان، ص ۲۵۹). برکة تخت بهمن (آل ابراهیم، ص ۶۷)، و قلعة دارالامان ایچ که به تصریح مؤلف مجمع الانساب ساخت آن سی سال به طول انجامیده است (شبانکاره‌ای، ص ۱۶۰). می‌توان این شیوه از معماری سنگی را در این دوره، روشی رایج دانست.

از سوی دیگر، احتمال افزودن کتیبه سردر و محراب در دوره‌های بعد، می‌توانست همچنان موضوعی قابل طرح باشد، اما اشاره‌های صریح متون هم‌عصر، پاسخی روشن به این پرسش‌هاست. بنا بر تصریح این متون، محمدبن مبارز به انجام کارهای عمرانی و ساخت‌وساز بسیار، مشهور بوده است^{۱۲}. مؤلف منتخب‌التواریخ بدون ذکر نام بنایی مشخص، به سازندگی‌های دوره محمدبن مبارز اشاره کرده و می‌نویسد: «اکثر بقاع خیر که در شبانکاره است او (مظفرالدین محمد) انشا کرده.» (نطنزی، ص ۹). این تأیید در کتاب تاریخ و صاف نیز دیده می‌شود (وصاف الحضرة، جلد ۴، صص ۶۵ و ۶۶ و همچنین آیتی، ص ۲۳۳). شبانکاره‌ای نیز فعالیت‌های عمرانی محمدبن مبارز را بسیار برجسته نشان داده و می‌نویسد:

«و چندان عمارت و خیرات که او کرده هیچ ملک از ملوک اطراف نکرده، از بناها و مساجد و اربطه و خانقاه‌ها و خانه‌ها و بولها (= پل‌ها) و بناهای عالی مشکل بر دست گرفتی و همه تمام شدی و هم‌تی عالی داشت.» (شبانکاره‌ای، ص ۱۶۰).

در ادامه، نویسنده شرح جالب‌توجه و مستندی از بنای مسجد سنگی و آسیاب نزدیک آن در دارابجرد ارائه می‌کند که می‌توان آن را کهن‌ترین توصیف و شرح به‌دست آمده از این دو اثر دانست. متنی که به صراحت ساخت این بنای غیرمعمول را به محمدبن مبارز نسبت می‌دهد و تأکید می‌کند که هر که ببیند گمان می‌کند که به روزگار سلیمان ساخته‌اند:

«و در راه دارابجرد چهار صفة ای^{۱۳} با چهار شبستان با پیش‌در و با مردرو با پیش‌طاقی از یک پاره‌سنگ مفرد برآورده که هیچ جای وصلی و درزی نیست. همچون پنیر فرو بریده و در پهلوی آن دو آسیاب همه از سنگ یک پاره ساخته هر که ببیند گوید به روزگار سلیمان ساخته‌اند و در هیچ ولایتی از ولایات شبانکاره نیست که او عمارتی بدین وجه غریب عالی نساخته. و اوقاف بسیار فرموده و نظر او همه بر دین و خیرات بوده.» (همان، ص ۱۶۱)

علاوه بر مجمع‌الانساب در منظومه دفتر دلگشا که در سال ۷۲۰ق. نوشته شده است، به ساخت شبکه آبرسانی نزدیک آسیاب سنگی در دوره امیر محمدبن مبارزبن حسن از ملوک شبانکاره اشاره شده است (صاحب شبانکاره‌ای، ص ۲۶۲).

| | |
|---------------------------------------|-----------------------------|
| مظفر بفرمود و از رودبار ^{۱۴} | نهادند جویی چنان استوار |
| فرو برد جویی به سنگ اندورن | که رفتی در او هفت دریا فزون |
| کجا تا زمینی که می‌دانمش | من آن جنت و مادیان خوانمش |
| بگردانم از شهر داراب آب | همی برد تا جنت‌آباد آب |
| بیاراست کشور به شمشیر داد | به جنت یکی حوض کوثر نهاد |
| که آب من است و زمین من است | چرا ملک داراب دارم ز دست |

تاریخ مرگ محمدبن مبارز را نویسنده مجمع‌النساب، جمعه ششم صفر ۶۵۹ق. ذکر کرده است (شبانکاره‌ای، ص ۱۶۶)؛ اما منتخب‌التواریخ سال ۶۵۸ق. را سال درگذشت او می‌داند (نطنزی، ص ۱۰). بر این اساس، این دو بنا شش یا هفت‌سال پیش از مرگ بانی آن ساخته شده است.

نکته قابل ذکر دیگر در تأیید این سخن، تصریح مؤلف تاریخ یزد (نیمه اول سده نهم)، معماران منطقه تحت حکومت شبانکاره به خاطر شهرت و توانایی‌شان در ساخت‌وساز ابنیه مهم برای ساخت بناهای بزرگ به شهر میبد برده شده‌اند (جعفری، ص ۳۷). این موضوع در تاریخ جدید یزد (تألیف اواخر سده نهم) نیز تکرار شده است (کاتب یزدی، ص ۸۰).

قابل ذکر است، این بنا از منظر معماری نیز مورد بررسی برخی از متخصصان تاریخ معماری ایران قرار گرفته است. آخرین بررسی‌های انجام شده، مقالات لیونل بی‌یر و دیتریش هوف است که هر دو بنا را از نزدیک و با دقت مورد بررسی قرار داده و آن را بنایی اسلامی دانسته‌اند. شبهه الحاقی بودن محراب با توجه به بیرون‌زدگی لبه محراب و اتصال آن به بدنه اصلی نیز کاملاً مردود دانسته شده است. هوف از جمله به خاطر هم‌جهت بودن محراب و قبله، هرگونه احتمال باستانی بودن این اثر را مردود دانسته و با اطمینان این بنا را یک اثر اسلامی می‌داند (هوف، ص ۴۱۸).

۵. مسجد و رباط

در متن کتیبه سردر ورودی صحن از بنای مسجد و رباط سخن رفته است. تردیدی نیست که بر اساس اصول شرعی، مسجد نمی‌تواند همزمان کاربرد رباط نیز داشته باشد. چنین به نظر می‌رسد که بنای کوچک سمت راست ورودی اصلی و نیز دو بخش پیش از ورودی کتیبه‌دار، برای استراحت و بیتوته مسافران، کاربری داشته است.

۶. نتیجه

اولویت برخورد با هر بنا، قرائت کتیبه‌های آن است. مقدم داشتن هر حدس و گمانی

پیش از دست یافتن به نصّ صریح و صحیح کتیبه، نتیجه درستی در پی نخواهد داشت. از سوی دیگر لازم است نسبت به قرائت‌های پیشین، اساس بر نگاه منتقدانه باشد. چنان‌که قرائت نادرست و غیرواقعی دو مورخ برجسته قاجاری از کتیبه‌های این بنا، روند مطالعات درست و علمی را با مشکل روبه‌رو کرده بود.

به دلایل ذیل و با تکیه بر بازخوانی متن کامل کتیبه‌های این دو بنای سنگی، اکنون می‌توان به سه دلیل ذیل نسبت به تاریخ ساخت بنا با اطمینان سخن گفت:

الف: متن کتیبه سردر مسجد به ساختن مسجد و رباط - و نه مرمت، توسعه و بازسازی - تصریح دارد. نیز وجود همین تاریخ بر دیواره سمت چپ ورودی آسیاب. بر این اساس، می‌توان ساخت بنای مسجد، رباط و آسیاب سنگی داراب را در سال ۶۵۲ ق. به شخص مظفرالدین محمد بن قطب‌الدین مبارز بن نظام‌الدین حسن ملقب به ناصر امیرالمومنین (ملک محمد بن مبارز بن حسن) (حک: ۶۲۴ - ۶۵۹/۶۵۸) از امرای شبانکاره مربوط دانست.

ب. تأکید و تصریح متون تاریخی هم‌دوره شبانکارگان به فعالیت‌های عمرانی فراوان و ساخت بناهای عالی و دشوار به دست آنان و به‌ویژه شخص محمد بن مبارز، تأکیدی دیگر بر صحت انتساب ساخت این بنا به شبانکارگان است.

ج. شبهه شباهت روش کار، مصالح، انجام کاری متفاوت و ساخت بناهای سنگی با توجه به آنکه ساخت بناهای سنگی در منطقه فارس - شاید متأثر از تخت‌جمشید - در میان حاکمان شبانکاره به استناد دست‌کم پنج اثر شاخص سنگی این دوره امری رایج بوده است.

د. مطالعات معماری انجام‌شده توسط بیر و هوف بر اسلامی بودن بنا تأکید دارد.

پی‌نوشت

۱. برای نمونه، تأکید بر این نظر و انتساب بنا به اتابکان فارس را می‌توان در آثار زیر دید:
مصطفوی، سید محمدتقی، *اقلیم پارس*، ۱۳۷۵، ص ۹۲ و همچنین: ویلبر، دونالدن، *معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی*، ترجمه عبدالله فریار، ۱۳۶۵، ص ۱۱۷. و همچنین: فتوحی قیام با بررسی مسجد سنگی داراب، مسجد جامع نو شیراز و مسجد اتابکی پاسارگاد این آثار را از جمله بناهای اتابکان فارس دانسته است. (ر.ک: فتوحی قیام، منصور، «سه مسجد اتابکی»، جلد اول، ۱۳۷۸، صص ۳۴۶-۳۷۵).
۲. «الناصر لدین الله» لقب خلیفه عباسی است که در سال‌های (۶۲۲-۵۷۵ ق) خلافت کرده است. اما با توجه به تاریخ ۶۵۲ ق.، دیواره مسجد سنگی و منطبق نبودن با زمان این خلیفه، فرصت حدس

- می‌زند که مسجد سنگی را اتابک فارس سعدبن زنگی (متوفی ۶۲۳ق) در زمان خلافت خلیفه عباسی «ناصر لدین الله» مرمت نموده و محرابی به آن افزوده، و پس از چندی ابوبکر بن سعد (متوفی ۶۵۹ق) آن عمارت را مرمت کرده است (حسینی شیرازی، آثار عجم، جلد دوم، ۱۳۷۷ ص ۱۶۳-۱۶۶).
۳. کار آشکارسازی کتیبه‌ها و عکس‌برداری مجدد و تکمیل بازخوانی متن با هماهنگی صورت‌گرفته با آقای پرویزی، رئیس محترم اداره میراث فرهنگی داراب در اواخر خرداد ۹۴، با انتقال چهارپایه‌ای بلند به محل و با همکاری دوستان ارجمند آقایان: ابوالحسن صادقیان، محمود بهرمنند، محمد حکمت (عکاس)، حبیب‌الله حسنی، موسی‌پور (حمل و نقل) محقق شد.
۴. منظور محمدرضا خان قوام (قوام‌الملک سوم) فرزند علی محمدخان قوام (قوام دوم) و نوه میرزا علی اکبر خان (قوام‌الملک اول) است (صادقیان، صص ۵۰ - ۵۹). محمدرضا خان پس از مرگ پدرش در سال ۱۳۰۱ق به حکومت لار و محال سبعة و نواحی داراب و ایلات خمسه منصوب شد. «بعد از وفات او حکومت داراب به ارث و استحقاق به خلف‌الصدقش، محمدرضا خان قوام‌الملک منتقل گردید و تاکنون به حکومت آن باقی است و در سال ۱۳۰۱ احداث قناتی نزدیک شهر داراب جانب شمالی فرموده نام آن را «خیرآباد» گذاشته و آب او را به دو فرسخ مشرقی شهر داراب برده است. و در قدیم دو آسیاب بر روی یکدیگر که جدول و تنوره‌خانه هریک را از سنگ درآورده‌اند در پهلوئ مسجد سنگی که شرح آن گذشت عاقل و باطل افتاده بود و جدول اولی آنها از سطح پشت‌بام آن مسجد بلندتر است، این آب خیرآباد آن دو آسیاب را گردانیده، اراضی دامنه و حوالی مسجد را زراعت نماید.» (حسینی فسایی، ج ۲، صص: ۱۳۱۴-۱۳۱۵)
۵. امیرتومان یکی از القاب رایج در دوره قاجار است. مؤلف فارسنامه ناصری می‌نویسد: میرزا علی محمدخان قوام (قوام‌الملک دوم) در زمان حکومت فرهاد میرزا معتمدالدوله حاکم فارس موفق به فتح قلعه تبر می‌شود و به خاطر این فتح به لقب امیرتومانی سرافراز می‌گردد. پس از مرگ قوام‌الملک دوم، این لقب به فرزندش تعلق می‌گیرد (همان، ج ۲، ص ۹۶۲).
۶. تخلص کمی مبهم است. اگر درست خوانده شده باشد، شاعری با این تخلص، متناسب با تاریخ یاد شده شناخته نشد.
۷. به حروف ایجد برابر با سال ۱۳۰۹ قمری.
۸. در فارسنامه مصحح و نسخه چاپ سنگی، تاریخ اتمام آسیاب، سنه هزار و سیصد و یک (به حروف) ذکر شده است.
۹. حسنی، میرزا محمد، «معرفی سند اجاره آسیاب سنگی در خیرآباد داراب مربوط به عهد قاجار»، پیک جنوب (داراب)، هفته چهارم، دی ۱۳۹۰، ص ۳.
۱۰. این یادگار پیشتر به سید عبدالحسین لاری، مبارز معروف و مربوط به سال ۱۲۹۰ ش. دانسته شده بود (صداقت‌کیش، ص ۳۰۶).
۱۱. مدت حکومت قطب‌الدین مبارز اول معروف به مبارزالدین دقیقاً مشخص نیست. محتملاً او بین سال‌های (۶۲۴-۵۸۴ ق) بر شبانکاره، نیریز و کرمان حکومت کرده است (مهرآبادی، صص ۵۸۴ و ۵۸۵). قابل ذکر است نویسنده کتاب سمط‌العلی للحضرة العلیا، که در تاریخ قراختائیان کرمان در فاصله سال‌های ۷۱۵-۷۲۰ ق. به رشته تحریر درآمده است، دوره تسلط حکمران شبانکاره بر کرمان را چنین

- توصیف کرده است: «و یک سالی ملک شبانکاره مبارزه‌الدین به تغلب آن ولایت (کرمان) را فرو گرفت و برادر را نظام‌الدین محمود در این ملک استخلاف فرمود.» (ناصرالدین منشی کرمانی، ص ۱۶)
۱۲. نام و القاب محمدبن مبارز، بر محراب مسجد جامع نیریز نیز دیده می‌شود. «مظفرالدینیا و الدین، المؤید بنصرالله محمدبن المبارز، ناصر امیرالمومنین» برای متن این بخش از کتیبه، بدون قرائت دو کلمه آخر ر.ک: (Gropp.g. & Nadjmabadi.s. P. 22). همچنین می‌توان از بنای مشهور به امامزاده در شهر کازرون (تخریب‌شده در سال ۱۳۶۴) یاد کرد که کتیبه‌ای بدون تاریخ (ظاهراً از همین سده) از آن بنا با مانده است و بانی بنا خود را محمد مبارز می‌نامد و بنای اصلی را به جد پنج‌میش نسبت می‌دهد. برای متن کتیبه به قرائت شیخ‌الحکمایی ر.ک: (تقی‌نژاد، ص ۱۰۰).
۱۳. مؤلف از این بنا به‌عنوان چهارصفه نام می‌برد. با توجه به تصریح کتیبه به مسجد بودن بنا، ظاهراً اشاره او به طرح چهارصفه‌ای مسجد است.
۱۴. نام این رودخانه در اسناد قاجاری به صورت رودبال ذکر شده است (ر.ک: حسنی، آرامگاه دحیه کلبی، ص ۵۶، تصاویر ۱۱ و ۱۲).

منابع

- آیتی، عبدالمحمد، *تحریر تاریخ و صاف*، چاپ سوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- آل‌ابراهیم، محمدرضا. *آثار باستانی، اماکن مذهبی و گردشگاه‌ها در استهبان*، چاپ اول، سته‌بان، استهبان، ۱۳۸۷.
- احمدبن حسین بن علی کاتب یزدی، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- اقبال آشتیانی، عباس، *تاریخ ایران پس از اسلام*، چاپ اول، تهران، نامک، ۱۳۸۰.
- تقی‌نژاد، مهدی، *مساجد کازرون*، تهران، کازرونیه، ۱۳۸۴.
- جعفر بن محمد بن حسن جعفری، *تاریخ یزد*، به کوشش ایرج افشار، چاپ سوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- جواهری، پرهام و محسن جواهری، *چاره آب در تاریخ فارس*، جلد یکم، چاپ اول، تهران، گنجینه ملی آب ایران، ۱۳۷۸.
- حسنی، میرزا محمد، *تاریخچه آرامگاه دحیه کلبی در دارابگرد*، چاپ اول، قم، مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۹۳.
- حسنی، میرزا محمد، [معرفی سند اجاره قاجاری آسیاب سنگی داراب]، *پیک جنوب داراب*، هفته چهارم، ص ۱۲، ۱۳۹۰.
- حسینی شیرازی، محمد نصیر (فرصت‌الدوله)، *آثار عجم*، جلد اول تصحیح منصور رستگار فسایی، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- حسینی فسایی، حاج میرزا حسن، *فارسنامه ناصری*، جلد دوم، تصحیح منصور رستگار فسایی، چاپ

- اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- شبانکاره‌ای، محمدبن علی بن محمد، *مجمع‌الانساب*، تصحیح میرهاشم محدث، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- صاحب شبانکاره‌ای، دفتر *دلگشا*، تصحیح غلامحسین مهربانی و پروانه کیانی، چاپ اول، شیراز، بنیاد فارس‌شناسی و آوند اندیشه، ۱۳۸۹.
- صادقیان، ابوالحسن، *تاریخ داراب در عهد قاجار و پهلوی*، چاپ اول، قم، مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۹۴.
- صداقت‌کیش، جمشید، *کردان شبانکاره*، چاپ اول، سنندج، کالج، ۱۳۹۰.
- فتوحی قیام، منصور، [سه مسجد اتابکی]، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده، جلد اول، ویراستار محمد قره چمنی، چاپ اول، تهران، دانشکده هنر، ۱۳۷۸.
- مصطفوی، سیدمحمدتقی، *اقلیم پارس*، چاپ دوم، تهران، اشاره و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵.
- مهرآبادی، میترا، *تاریخ سلسله‌های محلی ایران*، چاپ اول، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۷.
- ناصرالدین منشی کرمانی، *سیمط العلی للحضرة العلیا در تاریخ قراختانیان کرمان*، تصحیح مریم میرشمسی، تهران، بنیاد موقوفات افشار یزدی، ۱۳۹۴.
- نطنزی، معین‌الدین، *منتخب‌التواریخ معینی*، تصحیح پروین استخری، چاپ اول، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳.
- وصاف الحضرة، عبدالله بن فضل‌الله، *تاریخ وصاف الحضرة*، تصحیح علیرضا حاجیان‌نژاد، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
- ویلبر دونالد. ن. *معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی*، ترجمه عبدالله فریار، چاپ دوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- هوف، دیترش، [داراب پایتخت ابالتی]، ترجمه فرامرز سمیعی، در: [پایتخت‌های ایران] به کوشش محمدیوسف کیانی، چاپ اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- Bier, L. *The Masjid-I Sang Near Dārāb and the Mosque of Shahr-I Īj: Rock-Cut Architecture of the Ilkhanid Period*, 1986, P.129, note 14.
- Gropp.G. Nadjmabadi.S. *Bericht über Eine Reise in West-und Südiran*, in: *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, Neue Folge, Vol3, 1970.
- Huff. D. *Masjed-e Sangi a Rock-Cut Mosque near the ancient site of Dārābgerd* in *Enceclopedya Iranica*. (برگرفته از سایت ایرانیکا).